

بسم الله الرحمن الرحيم

تحلیل شخصیت زن از دیدگاه نهج البلاغه

جلسه سوم: استفاده از مدل های قرآنی در روایات معصومین علیهم السلام

بعضی آیات قرآن در مذمت انسان آمده و بعضی دیگر از آیات در مدح انسان آمده است. در روایت آمده: اصول و قواعد قرآنی از قبیل محکم و متشابه و ناسخ و منسوخ در کلام اهل بیت علیهم السلام نیز هست.

روایت مشهوری از جابر بن یزید جوفی از امام باقر علیه السلام نقل از پیغمبر صلی الله علیه و اله و سلم آمده که فرمودند: «کلام اهل بیت دشوار است و پیچیدگی های خاص دارد، علو دارد و رسیدن به حاق مطلب مشکل است، ایمان نمی آورد به این کلام؛ یعنی تحمل نمی کند این کلام را مگر این که ملک مقربی باشد یا نبی مرسل یا کسی که ایمان محکم دارد. اگر حدیثی به شما رسید که خوب فهمیدید و مطابق ذوق شما بود قبول می کنید؛ ولی اگر کلامی رسید که دلپذیر شما نبود و قابل پذیرش نبود که از طرف معصوم علیهم السلام باشد رد نکنید؛ بلکه بگویید: ما نفهمیدیم.»

انکار سخنان اهل بیت علیهم السلام، منجر به انکار وجود خود بزرگواران می شود.

کسی هلاک شده و بدبخت است که حدیثی را بشنود و نتواند قبول کند و سه بار قسم بخورد که چنین نیست؛ مثلاً بعضی افراد خدشه سندی می کنند یا این که سخن را نپذیرند و بگویند: مربوط به زمان ما نیست. این نوع رد کردن، مرتد شدن است.

گاهی افق سخنان معصومین علیهم السلام و آیات قرآن بسیار بالاست؛ مثلاً اگر بعضی آیات قرآن را به زمان جاهلیت ببریم تعجب آور است. در قرآن آمده: کوه ها مثل ابر حرکت

می کنند. به عقل مردم زمان جاهلیت این سخن که کوه حرکت کند، صد در صد غلط است؛ چون علم گردش زمین را نمی دانستند.

مؤمن در برخورد با کلام اهل بیت علیهم السلام این طور عمل می کند و برای فهم کلام ایشان صبوری می کند.

در قرآن، عنوانی به صورت توصیف انسان در قرآن است. انسان بما هو انسان، جدای از زن و مرد بودن، به عنوان مخلوق

در قرآن در مورد دو واژه انسان و آدم تحقیق میدانی انجام دهید.

در قرآن ۵ محور در مورد انسان وجود دارد:

۱. آیاتی که در مورد بیان سرشت آدم است.
۲. آیاتی که شخصیت انسان را در مواجهه با نعمت و نعمت بیان می کنند.
۳. آیاتی که نشان دهنده حالات انسان در مراحل مختلف رشد هستند، از تولد تا مرگ.
۴. آیاتی که در آن ها امر یا توصیه ای به انسان شده است.
۵. آیاتی که در مورد توبیخ و سرزنش انسان است.

از مجموعه ۵ محور این آیات، در مورد سرشت انسان، آیات ذامه و نکوهش گر تندی وجود دارد.

آیات ذامه سرشت انسان:

۱. يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا^۱

خدا می خواهد کار بر شما آسان کند، که انسان ضعیف خلق شده است.

۲. وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ^۲

۱. سوره مبارکه نسا، آیه ۲۸

۲. سوره مبارکه ابراهیم علیه السلام، آیه ۳۴

و از انواع نعمتهایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود، و اگر نعمتهای (بی انتهای) خدا را بخواهید به شماره آورید هرگز حساب آن نتوانید کرد، (با این همه لطف و رحمت خدا) باز انسان سخت ستمگر و کفر کیش و ناسپاس است.

۳. وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالْشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا^۱

انسان با شوق و رغبتی که خیر و منفعت خود را می جوید (چه بسا به نادانی) با همان شوق و رغبت شر و زیان خود را می طلبد، و انسان بسیار بی صبر و شتاب کار است.

۴. قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا^۲

بگو که شما اگر دارای گنجهای رحمت (بی انتهای) خدای من شوید باز هم از ترس فقر و خوف درویشی، بخل از انفاق خواهید کرد، که انسان طبعاً بسیار ممسک و بخیل است.

۵. إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ^۳

(قسم به اسبان این مجاهدان دین خدا) که انسان نسبت به پروردگارش کافر نعمت و ناسپاس است.

۶. أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ^۴

آیا انسان ندید که ما او را از نطفه ناقابل (چنین آراسته) خلقت کردیم؟ آن گاه (به جای آنکه شکر گزار باشد) دشمن آشکار ما گردید.

۱. سوره مبارکه اسراء، آیه ۱۱

۲. سوره مبارکه اسراء، آیه ۱۰۰

۳. سوره مبارکه عادیات، آیه ۶

۴. سوره مبارکه یس، آیه ۷۷

۷. لَا يَسْأَمُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ

انسان هرگز از تقاضای نیکی (و نعمت) خسته نمی‌شود؛ و هرگاه شرّ و بدی به او رسد، بسیار مأیوس و نومید می‌گردد!

۸. وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ^۲

و مشرکان برای خدا چیزی را (مانند فرشته) که بنده و مخلوق اوست جزء (وجود و فرزند واقعی او) قرار دادند (زهی جهل و کفر و سفاهت) که انسان بسیار ناسپاس و کفرش آشکار است.

۹. إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا^۳

که انسان مخلوقی طبعاً سخت حریص و بی‌صبر است.

۱۰. إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا^۴

چون شر و زبانی به او رسد سخت جزع و بی‌قراری کند.

۱۱. وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا^۵

و چون مال و دولتی به او رو کند منع (احسان) نماید.

۱۲. قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ^۶

ای کشته باد انسان (بی‌ایمان) که تا این حد کفر و عناد می‌ورزد!

این موارد وصف سرشت انسان است بدون قیدیت و وصف دیگری

۱. سوره مبارکه فصلت، آیه ۴۹

۲. سوره مبارکه زخرف، آیه ۱۵

۳. سوره مبارکه معارج، آیه ۱۹

۴. سوره مبارکه معارج، آیه ۲۰

۵. سوره مبارکه معارج، آیه ۲۱

۶. سوره مبارکه عبس، آیه ۱۷

۱۳. خصیما^۱ اهل جدل

آیات مدح انسان:

۱. لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ^۲

که ما انسان را در نیکوترین صورت (در مراتب وجود) بیافریدیم.

۲. ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا
ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ^۳

آن‌گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را استخوان ساختیم و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم (و پیکری کامل کردیم) پس از آن (به دمیدن روح پاک مجرد) خلقتی دیگرش انشا نمودیم؛ آفرین بر (قدرت کامل) خدای که بهترین آفرینندگان است.

۳. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا^۴

و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.

۱. ...

۲. سوره مبارکه تین، آیه ۴

۳. سوره مبارکه مؤمنون، آیه ۱۴

۴. سوره مبارکه اسراء، آیه ۷۰

۴. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

۵. وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ^۲

و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید.

کل جنس انسان خلیفه خداست، نه فقط حضرت آدم علیه السلام

۶. فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^۳

پس چون آن (عنصر) را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم همه (از جهت حرمت و عظمت آن روح الهی) بر او سجده کنید

این نفس مُسَوِّی است؛ یعنی خدا اعلای اعتدال را دارد، از روح خود در او دمیدم.

مجموع این اوصاف کاملاً متضاد با آیات ذامه است.

۱. سوره مبارکه روم، آیه ۳۰

۲. سوره مبارکه روم، آیه ۳۴

۳. سوره مبارکه حجر، آیه ۲۹

نظرات علما و مفسرین در مورد این تضادها:

۱. انسان دو مرتبه طبیعت و فطرت دارد، آیات ذامه در مورد طبیعت انسان است.

و آیات مادحه در مورد فطرت انسان است.

۲. آیه الله سبحانی: انسان ترکیبی از خیر و شر و مدح و ذم است.

اشکال این نظر این است که طبیعت خلقت خداست؛ یعنی خدا خلقت مذموم آفریده است؟

۳. شهید مطهری: این آیات در مورد انسان با ایمان و بی ایمان است.

اشکال این است که این آیات قبل از ایمان است، نه بعد ایمان.

۴. آیه الله جوادی آملی و آیه الله سبحانی: این آیات در مورد صفاتی هستند که آن قدر قوی می شوند که جزوی از ذات انسان می شوند.

اشکال این است که این نظر ظهور آیات را خراب می کند و مجاز می کند.

۵. علامه طباطبایی: صفات ذامه، اصلاً ذامه نیست؛ بلکه لازمه ذات انسان هستند و وقتی از اعتدال خارج شوند، بد می شوند. این صفات لازمه سعادت و کمال انسان هستند و وقتی جای دیگر آن ها را خرج می کند، ذامه می شوند؛ مثل این که سرعت و عجله در عمل خیر، بد نیست؛ بلکه در مصادیق مادی بد می شود.

هر وقت قوا از اعتدال خارج شوند، بد می شوند.

۶. گروهی در مدح و ذم نسبت قرار داده اند؛ یعنی نسبت به سایر مخلوقات است. مدح

در مقابل سایر مخلوقات و ذم نسبت به خداوند که انسان برای رسیدن به خداوند

متعال، حق مطلب را انجام نمی دهد؛ مثلاً نسبت به کمال لایق صبر ندارد؛ پس عجز است.

نظریه استاد طباطبایی:

مقدمات:

۱. در بعضی نظریات، از آیات عدول کرده اند؛ مثل این که گفته شده صفات هستند، قابل توجیه نیستند تا می توانیم نباید از ظاهر آیه عدول کنیم در دچار مجاز شویم.
۲. اگر گفته شده ذاتیات و سرشت هستند؛ پس نمی توان تخلف کرد؛ مثل نطق و شعور که ذاتی انسان است و نمی توان از آن تخلف کرد.
- سؤال این است که آیا می توان این اوصاف ذامه را در مورد ذوات مقدس انبیا و اهل بیت علیهم السلام نیز گفت؟ از طرفی ظاهر آیات، آن ها را سرشت انسان می داند و گفته نشده کسانی که ایمان ضعیف دارند، دارای این صفات اند.
۳. در مقابل، صفات مادحه کاملاً وصف ذاتی انسان است. در مورد اصل آفرینش انسان است. این چه موجودی است که در زمان خلقت، صفات مادحه و ذامه دارد؟
۴. بیان آیات ذمّ اکثر است. آیات زیادی داریم که اکثریت را ذم کرده است.

حوزه مجازی مهندس طلبه

@onlinehawzah

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم